



عصارخانه، جلوه‌ای از هویت فرهنگی

علیرضا مرادی

مقدمه

عصارخانه‌ها یکی از بناهای فرهنگی به شمار می‌روند که طی پانصد سال گذشته نقش مؤثری در روغن‌کشی از دانه‌های روغنی داشته که کاربردهای خوراکی، دارویی و صنعتی داشته‌اند.

فرهنگی به شمار می‌روند که طی پانصد سال گذشته نقش مؤثری در روغن‌کشی از دانه‌های روغنی داشته که کاربردهای خوراکی، دارویی و صنعتی داشته‌اند. متأسفانه امروزه بیشتر عصارخانه‌های کشور تعطیل و یا تخریب شده‌اند.

در شهر نجف‌آباد نیز عصارخانه‌های متعددی وجود داشته که در سال‌های گذشته نقش مؤثری در تهیه روغن‌های گیاهی داشته‌اند و در سال‌های اخیر فعالیت خود را با نیروی محرکه جایگزین موتورهای برقی به جای نیروی محرکه حیواناتی چون اسب، شتر و گاو انجام می‌دادند. حفظ عصارخانه‌ها می‌تواند علاوه بر زنده نگه داشتن حرفه عصارگری به‌عنوان میراثی از گذشتگان،

تجلی فرهنگ در رفتار، تنها محدود به رفتارهای رسوب‌بندی شده نیست. به عبارت دیگر، فرهنگ تنها در قالب رفتارهای متضمن معنی و تعیین‌کننده شکل یا شیوه رفتار، متجلی نمی‌شود، بلکه فراتر از اینها، در تغییراتی که انسان در طبیعت ایجاد می‌کند، نیز بارز است؛ از جمله در ابزار و آثار که آنها هم معانی را در خود حفظ می‌کنند. این مجموعه را می‌توان «آثار فرهنگی» نام نهاد که شامل ابزارها نیز می‌شود. آثار مزبور مادی هستند و به کار عمل می‌آیند و بعد از خلق، بیشتر مادی هستند تا معنوی، اما همیشه مبین معنایی هستند که در خلق آنها منظور شده و همیشه وابسته به حوزه معنا باقی می‌مانند (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۶۵).

با توجه به نقش آثار فرهنگی و مصنوعات بشری در حفظ و یا تغییر ارزش‌ها، هنجارها، پیش‌فرض‌ها، باورها و هویت فرهنگی اعضای جامعه، حفظ این آثار و ابنیه فرهنگی از ضرورت‌های اساسی فرهنگ ملل و اقوام مختلف محسوب می‌شود. عصارخانه‌ها یکی از بناهای

نقش مؤثری در حفظ ارزش‌ها و هویت فرهنگی مردم در سطح محلی و کشوری داشته باشد. هدف این مقاله بررسی نقش این میراث گذشتگان، با تأکید بر حفظ هویت فرهنگی و چگونگی عملکرد عصارخانه‌ها در بستر تاریخ است.

هویت فرهنگی

هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود است. این خصوصیات که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌سازند، معرف

شناسنامه فرهنگی آن جامعه‌اند. به عبارت دیگر، گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی و... «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهند. هر جامعه‌ای معمولاً در همه جا و همه وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تأکید می‌کند و می‌کوشد که با قدرت و غرور مشخصه‌های این هویت را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند. هویت فرهنگی یک جامعه به سه عامل بستگی دارد: عامل تاریخی، زبانی و روانشناختی. اهمیت عوامل یاد شده در موقعیت‌های



تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هر گاه این عوامل به طور کامل در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشند، هویت فرهنگی ناقص می‌شود. تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایده‌آل است. هر گاه یکی از عوامل مزبور تحت تأثیر قرار گیرد، شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می‌کند و این تغییرات ممکن است تا آنجا ادامه یابد که موجب یک «بحران هویتی» شود (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۰).

کشور ایران یکی از نخستین زادگاه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود که برخلاف بسیاری از تمدن‌های باستانی دیگر، تداوم و پیوستگی حیات را تا به امروز حفظ کرده است. آثار به‌جامانده از تمدن‌های عیلامی، سومری، غزنوی، سلجوقی، مغولی، تیموری، صفوی، زندیه، قاجاریه و دیگر تمدن‌ها مجموعه عظیمی را تشکیل می‌دهد که نه تنها اساس هویت و فرهنگ ملی و دینی ایرانیان محسوب می‌شود، بلکه به عنوان بخش مهمی از تمدن و فرهنگ جامعه بشری مورد توجه و علاقه مردمان مختلف جهان است. ایران سرزمینی است پهناور که مردم آن از گروه‌های مختلف نژادی و قومی تشکیل شده است و هر یک از آنها از هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود برخوردارند (وارثی، ۱۳۸۴: ۸۵). برای پایداری و بقای فرهنگ ایرانی، باید به مواریت فرهنگی اهمیت داد. در واقع از مشخصه‌های فرهنگ ملی، میراث فرهنگی یک کشور است. زنده نگه‌داشتن مواریت فرهنگی، به معنای نادیده گرفتن تحولات جهان امروز نیست، بلکه مراد از آنها ارزیابی مجدد این میراث با معیارهای تازه و بازیافتن عناصر زنده و دوام‌پذیر آن است. حفظ و نگه‌داشتن و توجه به میراث فرهنگی

مستلزم شناخت و شناساندن میراث فرهنگی گرانقدر ایران است و مهم‌ترین عناصر میراث فرهنگی عبارتند از: زبان، ادب، اندیشه، فرهنگ عامه، هنرهای ملی، مجموعه آثار مکتوب، اشیا، بناها و مکان‌های تاریخی (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۸۱).

عصارخانه علاوه بر تهیه روغن چراغ و روغن خوراکی که از مواد اولیه گرفته می‌شود، نقش مهمی در آماده کردن خوراک دام‌ها و کود لازم برای مزارع کشاورزی داشته‌است.

فرهنگ این میراث جهانی بشریت، در همه مکان‌ها و همه زمان‌ها یکسان نیست. هر قاره، کشور یا شهری، دارای ویژگی‌هایی است که در قاره، کشور و شهرهای دیگر عیناً مانند آن یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، سنتی و هنری هر جامعه‌ای باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه، در عین حال که با فرهنگ بشری هماهنگ است، دارای ویژگی‌های مختص به خویش باشد و مجموعه این ویژگی‌هاست که هویت فرهنگی هر منطقه و جامعه را مرزبندی می‌کند. اگر شناختی درست از هویت فرهنگی نداشته باشیم، سیاست‌های حفظ و اعتلای قومیت و برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌ها بی‌نتیجه خواهد ماند. به علاوه شناختن و شناساندن هویت فرهنگی بر علاقه‌مندی و دلبستگی و بازگشت به خویشتن افراد می‌افزاید و یکی از داروهای مؤثر درمان از خودبیگانگی است (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

فرهنگ چند هزار ساله ایران، آثار و بقایای زندگی گروه‌ها، حکومت‌ها و مردم متفاوتی را حفظ کرده است. تردیدی نیست که هر فرد ایرانی باید وطن خود و آثار دوره‌های مختلف آن را بهتر بشناسد تا به کار پدران خود در ساختن بناها، مساجد زیبا، کاروان‌سراها، پل‌ها و هزاران شاهکار دیگر ارج بگذارد و از وجود این آثار به خود ببالد و با تکیه بر این میراث خود را برای ساختن آنچه زیباست و می‌تواند متعلق به حال و آینده باشد آماده سازد (وارثی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). بناهای کهن به عنوان معرف میراث تمدن اقوام و ادوار گذشته، از دیدگاه‌های مختلفی مورد توجه‌اند و نگهداری و مرمت می‌شوند. یکی از این دیدگاه‌ها شناسایی فرهنگی و هویت فرهنگی است. متأسفانه زلزله و سیل و گزند باران و تابش آفتاب و تأسف‌بارتر طرح‌های جامع شهری و ایجاد خیابان، چه بسیار بناهای کهن و بافت‌های سنتی و تاریخی شهرها را ویران ساخته و می‌سازد! (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۵۳)

عصارخانه

یکی از احتیاجات بشر از همان دوران اولیه زندگی، تأمین روشنایی بود تا به وسیله آن خود را از تاریکی برهاند. استفاده از روغن‌دانه‌هایی چون خشخاش، بزرک، کی کج، کافشه و کرچک از زمان‌های دور در سرزمین ایران رایج بود. اگرچه شمع‌ها از اهمیتی بسزا برخوردار بوده‌اند، اما شمع جنبه اشرافی داشته و مخصوص دربار، اعیان و رجال بود و بیشتر در جشن‌ها، عروسی‌ها و سایر مراسم خاص استفاده می‌شد. از سویی مشعل‌ها نیز هنگام گردش در شب و بیشتر به صورت چراغ قوه‌های

امروزی مورد استفاده بوده است. عموم مردم در این زمان از روغن‌های چراغ برای روشنایی منازل استفاده می‌کردند. این روغن‌ها به دلیل ارزانی و فراوانی مورد استفاده مردم عادی بوده‌اند. روغن‌های چراغ در کارخانه‌های روغن‌گیری (عصارخانه) تهیه می‌شد. عصارخانه علاوه بر تهیه روغن چراغ و روغن خوراکی که از مواد اولیه گرفته می‌شد، نقش مهمی در آماده کردن خوراک دام‌ها و کود لازم برای مزارع کشاورزی داشته است. در واقع عصارخانه‌ها در قدیم به دلیل نوع محصولات تولیدی و کاربرد آنها، همانند پالایشگاه‌های امروزی پر کار بوده‌اند و حرفه عصارگری از حرفه‌های پراهمیت قدیم بوده است. از سویی با توجه به روشنایی معابر و خانه‌ها در شب که با استفاده از روغن تولیدشده در عصارخانه بوده و با توجه به اهمیت نور و روشنایی در فرهنگ بومی، عصارخانه‌ها دارای قداست و اهمیت ویژه‌ای نیز بوده‌اند (عباسی، ۱۳۸۷).

در تعریف عصارخانه در فرهنگ معین این چنین آمده است که: عصارخانه جایی است که در آن عصارگری می‌کنند، محلی که در آن شیره انگور یا روغن نباتی می‌گیرند. عصارگری شغل و عمل عصار را می‌گویند و هم دستگامی است برای روغن‌کشی، که مرکب از استوانه‌ای چوبین به قطر دو تا سه متر و ارتفاع یک متر که در زمین نصب می‌شود. سطح فوقانی استوانه به‌طور محدب و به شکل قیف تراشیدگی دارد و مطابق دهانه پایین استوانه است. یک تیر در آن استوانه قرار می‌دهند، به انتهای تیر رشته‌ای چرمین می‌بندند و سر رشته را به گردن اسب یا گاوی که در کنار استوانه ایستاده می‌بندند و اسب یا گاو را به حرکت دورانی وامی‌دارند. تیر به



طور منحنی در داخل استوانه به گردش درمی آید و دانه‌هایی مانند خشخاش، کنجد، پنبه و دانه‌های روغنی دیگر را در اطراف دهانه ریخته و خرد می‌کنند و روغن آنها را می‌گیرند. در ته دهانه استوانه سوراخی است که انتهای آن سطح خارجی استوانه است، روغن از آن سوراخ خارج می‌شود و در ظرفی که زیر آن قرار دارد ذخیره می‌گردد و وقتی ظرف پر شد آن را برمی‌دارند (معین، ۱۳۸۲: ۲۳۰۷-۲۳۰۶).

مدور با ارتفاع تقریبی ۶۰ سانتی‌متر و قطر تقریبی سه متر طراحی شده که بر فراز یکی از آنها سنگی مدور و یکپارچه با ضخامت ۵۰ سانتی‌متر و قطر ۱/۴ متر به صورت افقی قرار گرفته که بر روی آن سنگی دیگر با همین مشخصات، اما با قطر ۱/۹ متر، به شافتی که از محور سنگ افقی خارج می‌شود، با زاویه ۹۰ درجه در قسمت میانی‌اش اتصال یافته است. این سنگ قائم همان سنگی است که توسط تیرک‌هایی با پیراق‌آلات بر بدن شترهای چشم‌بسته، متصل می‌شده و با این ترفند شتر را ساعت‌ها حول یک نقطه حرکت می‌دادند، بی‌آنکه بدانند هر بار از یک مبدأ می‌گذرد و چون چشم‌بند داشته احساس سرگیجه هم نمی‌کرد.

بسان اشتر عصارخانه

بسی رفتیم، اما کور رفتیم

شبان روزان، به گرد خویش گشتیم

گمان کردیم، راهی دور رفتیم (علی برزگر)

عصارخانه‌های اصفهان کارگاه‌هایی بوده‌اند که به کار روغن‌کشی از دانه‌هایی مانند: پنبه‌دانه، هسته تلخ زردآلو، بزرک، آفتابگردان، خشخاش، کرچک، منداب و کیکوچ اشتغال داشتند که کاربردهای خوراکی، دارویی یا صنعتی داشتند. امروزه در اصفهان تنها آثاری از سه عصارخانه باقی مانده که اولی در مقابل «حمام شیخ بهایی» در میانه «محلّه جماله» به نام «عصارخانه شیخ بهایی»، دومی در مجاورت آن به نام «عصارخانه درب زنجیر» که سنگ آسیاب آن دارای تاریخ ۱۰۱۰هـ.ق و نام استاد تقی می‌باشد و سومی «عصارخانه شاه» در بازار تفنگ‌سازهاست. فضای اصلی کارگاه عصارخانه شیخ بهایی در عمق نه متری از کف کوچه قرار دارد. این عصارخانه تا سال ۱۳۳۷هـ.ش با نیروی محرکه به روش شتری و پس از آن تا سال ۱۳۵۴هـ.ش با نیروی محرکه جایگزین موتوری - اما با همان ساختار قبلی - فعال بوده است. در فضای اصلی کارگاه، سکوی

البته در یک روز کاری چهار نفر با چهار شتر کار می‌کردند که هر دو ساعت یک بار، هردو نفر با شتر همکارش از محوطه کارگاه از شیبی که در ضلع شمالی زیرزمین طراحی شده، به حیاطی که در ترازوی حدوداً شش متر بالاتر بوده انتقال می‌یافته که استراحت و تعلیف شتر در فضای باز آن صورت می‌گرفت. در داخل کارگاه پس از آن که دانه‌ها در میان دو سنگ قطور آسیاب خرد می‌شدند، در سینی‌های مدوری به قطر ۶۰ سانتی‌متر همچون خمیری پهن می‌شدند، آنگاه سینی‌ها روی یکدیگر قرار می‌گرفتند (هر بار ممکن بود تا ۲۰ سینی روی یکدیگر جای گیرد)، سپس در بالای سینی‌ها سرپوش می‌آمده که به انتهای تیری حمال و قطور (حدود یک متر قطر از چوب چنار که طول آن به ۱۵ متر می‌رسید) و آن هم از دو تکه به هم وصله‌خورده تشکیل می‌شده است. تیر مذکور در تراز فوقانی و از سقف کارگاه آویخته می‌شد. در حقیقت تیر حمال مذکور همچون یک اهرم ساده مکانیکی، دارای تکیه‌گاهی بوده که طول آن به ده قسمت تقسیم می‌شد، سر دیگر آن (انتهای بازوی محرک) به زنجیری با وزنه سنگی (حدود یک تن) اتصال می‌یافته که با رهاشدن وزنه توسط قرقره‌ای بازوی بلند اهرم، به سمت بالا هدایت می‌شد و بازوی کوتاه آن (متحرک) به سمت پایین بر روی سرپوش مذکور در تراز فوقانی طبقات سینی‌ها فشار می‌آورده که این فشار فوق‌العاده ناشی از این فرایند باعث می‌گردید تا عصاره روغنی دانه‌های له شده، از طریق لوله‌ای که در ته محفظه حاوی سینی‌ها بوده، به خمره‌ای لعابی و حجیم (تقریباً ۲۵۰ لیتر) هدایت شود. کارگاه مزبور در یک روز می‌توانسته حجمی

معادل یک خمره را روغن‌کشی کند (شایسته؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۸۱-۲۸۰).

سیستم جالب و در عین حال حساب‌شده عصارخانه، از نظر مراحل روغن‌گیری، نوع اجزاء به کاررفته و سیستم‌های طراحی‌شده برای مراحل مختلف کار، نمونه‌ای بسیار ملموس و جذاب از پیشرفت علم در اعصار گذشته بوده است. نوع بنا از نظر مهندسی عمران و فرآیندها و عملیاتی که در طول مراحل مختلف روغن‌گیری انجام می‌شود، از نظر مهندسی مکانیک، پیشرفت‌های این شاخه فنی از علم را در اعصار گذشته نشان می‌دهد که مورد توجه دانشمندان و گردشگران خارجی نیز بوده است (عباسی، ۱۳۸۷).

نجف‌آباد به شهر عصارخانه‌ها معروف بوده و تعداد ۱۵ عصارخانه داشته است. با توجه به وضعیت زراعتی نجف‌آباد، وجود منابع کودی و روشنایی در این شهر احساس می‌شد که این کار توسط روحانی خیری از شهر اصفهان و با تقاضای مردم نجف‌آباد انجام شد. سیدمحمدباقر شفتی یا بیدآبادی سنگ بنای یکی از بزرگترین عصارخانه‌های آن زمان نجف‌آباد را پایه‌گذاری نمود. این بنای بزرگ با سبک معماری خاص ساخته شده و امروزه به عصارخانه اخلاقی (بزرگ یا آقا) معروف است (ایزدی؛ سرمدی، ۱۳۸۷: ۵۷) که از بزرگترین و پرقدمت‌ترین عصارخانه‌ها واقع در بازار نجف‌آباد می‌باشد. این عصارخانه که از آثار عهد شاه عباس است، یکی از قدیمی‌ترین عصارخانه‌های ایران به شمار می‌رود. ساختمان، سبک معماری، اسلوب بنا و محاسبات فنی مهندسی آن، این بنا را به یکی از مهم‌ترین عصارخانه‌های اصفهان و از نفایس این عهد تبدیل کرده است. محاسبات

صورت گرفته در ساخت این بنا، با توجه به پیشرفت‌های علمی در آن زمان، پیچیده و در نوع خود بسیار جالب است. همچنین اشیا و لوازم بسیار ارزشمند و زیبایی در این عصارخانه وجود دارد که گرانبهاترین شیء این گنجینه بارزش، سنگ حجاری شده بسیار نفیسی است که روی آن آیه آخر سوره مبارکه «القلم» به خط استاد محمدحسن الامامی - مورخ ۱۰۹۴ هجری قمری - نقش بسته است (عباسی، ۱۳۸۷).

حاج سید محمد باقر شفتی از بزرگان فقهای اصفهان، در سال ۱۱۷۵ هـ ق در نواحی طارم علیا متولد شد و در سال ۱۲۶۰ هـ ق بدرود حیات گفت. او که از شاگردان بحرالعلوم، کاشف‌الغطاء و صاحب ریاض بود، در اصفهان مورد توجه سید محمد مجاهد، میرزای قمی و حاجی ابراهیم کلباسی قرار گرفت. وی عالمی ثروتمند و سخی بود، چنان که یک باب آسیاب در نجف‌آباد داشت که مستمراً روزی یک تومان اجاره آن بود. عصارخانه اخلاقی هنوز در بازار شهر پابرجاست. این عصارخانه در سال ۱۲۴۶ هـ ق تعمیر گردیده است. آصف در مورد تاریخ تعمیر این عصارخانه بر اساس حروف ابجد، شعری به مضمون زیر سروده است (یزدانی، ۱۳۸۶: ۳۶-۲۳۴):

خواست تا در جهان نجف آباد
که برد روح آن ز روح حزن
طرفه عصارخانه‌ایش بود
به ز عصارخانه‌های کهن
شب تاریک خاص و عام شود
از مصابیح روغنش روشن
داد فرمان و گشت فرمانش
بهر تعمیر این بنا مذعن

چون تمام این بنای با برکات
شد به تأیید قادر ذوالمن
بهر تاریخ سال اتمامش
آصف این گفت و ختم کرد سخن
می‌شود روشن این زسین سراج
سدس را کم کنی گراز روغن

عصاری و روغن کشی از مشاغل مهم مردم نجف‌آباد در دوران‌های گذشته بوده است، به طوری که بروگش در کتاب **سفری به دربار سلطان صاحب‌قران** در خصوص وضعیت اقتصادی - اجتماعی و مشاغل نجف‌آباد در دوران قاجاریه و عصر ناصرالدین‌شاه می‌نویسد: «پس از گردش در چند کوچه و خیابان به بازار نجف‌آباد رسیدیم که بعدازظهر هم مغازه‌های آن باز بود و کسبه به کار اشتغال داشتند. قسمت مهمی از صنایع و کاردستی مردم نجف‌آباد و کسبه بازار، پاک کردن پنبه و ریستندگی آن و رنگرزی بود. کارگاه‌های رنگرزی هم در بازار نجف‌آباد فروان بود. پس از بازدید از بازار، کدخدا پرسید: آیا میل دارید کارخانه روغن کشی نجف‌آباد را هم مشاهده کنید؟ جواب ما مثبت بود» (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۴۱).

علاوه بر عصارخانه اخلاقی که در دوره صفویه (۱۰۹۴ هـ ق) بنا شده است، عصارخانه‌های حاج نوروز، سید رضا آیتی، سید محمود آیتی، سید نصرالله، بابا امین، شاه‌آباد، یاور، یمانی، بابا رضا و اسماعیل نادر از بناهای دوره قاجاریه می‌باشند. عصارخانه حاج نوروز که امروزه به «عصارخانه زمانی» معروف است، توسط حاج نوروز زمانی ساخته شده است. عصارخانه شاه‌آباد نیز به نام «عصارخانه بابا محب» و عصارخانه یاور که بانی ساخت

آن فتحعلی خان می‌باشد با نام «عصارخانه آخوند» شناخته می‌شوند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

روش روغن گیری در عصارخانه

روش روغن گیری برای همه دانه‌ها به جز در مواردی، یکسان است. به طور کلی دانه‌های روغنی خام را ابتدا در زیر سنگ بزرگی به نام «بار مالی» ساییده و نرم می‌کردند. سپس این دانه‌های نرم شده را به قسمت دیگری می‌بردند که دارای سنگ بزرگ آسیابی بزرگ بوده و این سنگ توسط شتر به حرکت درمی‌آمده است. دانه‌ها را زیر این سنگ با مقدار معینی آب قرار می‌دادند و سنگ را به گردش درمی‌آوردند. پس از ساعتی گردش، خمیر یکدستی به دست می‌آمده به نام «گله» که آماده برای روغن گیری بود. این خمیر توسط شاگرد عصارای در سبدهای ضخیم و دایره‌شکلی به نام «کویی» ریخته و به قسمت تیرخانه برده می‌شد. در فضای تیرخانه

گودالی به نام «تیلوه» برای قراردادن کویی‌ها جهت فشار و روغن گیری و گودال دیگری به نام «پاچال» در جلوی آن که حاوی خمره‌های روغن گیری بود، قرار داشت و روغن سرازیر شده از تیلوه به درون خمره‌ها جاری می‌شد. پس از چیدن کویی‌های مملو از خمیر دانه‌ها در تیلوه، ابتدا به وسیله تیر کوچکی به نام «کارماله» کمی فشار به کویی‌ها می‌آوردند، سپس چند قطعه چوب قطور گرد به نام «شاگرده» روی هم قرار داده و روی کویی‌ها می‌گذارند و به تدریج تیر بزرگی را که یک سر آن در دیوار قرار گرفته و با دندانه‌های مخصوص مهار شده بود، پایین می‌آوردند. پس از چند ساعت سنگ بزرگی به نام «بنه» را به وسیله طناب از تیر بزرگ آویزان می‌کردند تا فشار بیشتری بر کویی‌ها وارد آید و روغن دانه‌ها به‌طور کامل گرفته شوند. پس از ۲۴ ساعت تیر را به جای اول باز می‌گرداندند. خمره‌های پر شده از روغن را به انبار منتقل و «برزها» را بیرون می‌آوردند. برز همان تفاله و کود بسیار مقوی در امر کشاورزی بود و یا به مصرف دام می‌رسید (عباسی، ۱۳۸۷).

جمع بندی و نتیجه گیری

فرهنگ را می‌توان به مادی و غیرمادی تقسیم نمود که ارتباط دوسویه و تنگاتنگی با یکدیگر دارند. اگر چه ممکن است این پیوند به ظاهر مشخص نباشد اما تغییر در یکی از جنبه‌های فرهنگ می‌تواند منشأ تغییرات بسیاری در جنبه‌های دیگر آن گردد. فرهنگ را می‌توان به سه سطح



**ساختار عصارخانه‌ها قدیمی و نوع عملکرد آنها
به گونه‌ای دقیق و علمی طراحی شده است که
حفظ و نگهداری از آنها می‌تواند پشتوانه‌ای
برای فرهنگ قومی و ملی محسوب گردد.**

می‌توان نسل‌های کنونی را با گوشه‌ای از فعالیت روغن‌گیری در گذشته آشنا نمود تا به‌عنوان پشتوانه‌ای فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی محلی و ملی تأثیری بسزا داشته باشد.

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور باید نسبت به مرمت و حفظ آثار فرهنگی و برنامه‌ریزی در جهت حفاظت از این بناها اقدام نمایند. چه بسیار بناهای فرهنگی در کشور وجود دارند که به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح تخریب می‌شوند و جلوه‌ای از فرهنگ ملی و محلی از بین می‌رود. تاریخ پدیده‌ای غیرقابل تکرار است و با تخریب فضاهای فرهنگی و تاریخی یک قوم گوشه‌ای از فرهنگ و تاریخ آنان از بین خواهد رفت که غیر قابل بازگشت است. بسیاری از پل‌ها، آسیاب‌ها، عصارخانه‌ها، برج‌های کبوترخانه و سایر بناهای فرهنگی در حال تخریب می‌باشد که با مدیریت صحیح و حفظ و مرمت این آثار می‌توان علاوه بر جذب گردشگر داخلی و خارجی به غنای فرهنگ ملی و محلی اهتمام ورزید که این امر باعث تقویت هویت فرهنگی می‌گردد. با تخریب و غیرفعال شدن فضاهایی نظیر عصارخانه‌ها و آسیاب‌ها، مشاغل همچون عصارگری و آسیابانی نیز در گذر زمان فراموش خواهد شد که ضایعه‌ای عظیم برای فرهنگ

ظاهری، ارزش‌ها و هنجارها و عمیق‌ترین سطح یعنی باورها و پیش‌فرض‌ها تقسیم نمود؛ آثار فرهنگی به عنوان جلوه‌ای از مصنوعات بشر که در سطح ظاهری فرهنگ قرار دارد و می‌تواند ارزش‌ها و هنجارها و پیش‌فرض‌های فرهنگ را تحت تأثیر قرار داده و دستخوش تغییر نماید. هر جامعه‌ای ویژگی‌های فرهنگی همچون گذشته تاریخی، زبان، باورها و سنت‌ها، هنر و ادبیات، آثار و ابنیه فرهنگی مخصوص به خود دارد که هویت فرهنگی آن جامعه را تشکیل داده و به نوعی وجه تمایز آن جامعه با جوامع دیگر می‌باشد و هرگاه هر یک از این عوامل در جامعه‌ای وجود نداشته باشند یا دچار نقصان شوند، هویت فرهنگی آن جامعه آسیب خواهد دید.

از جمله آثاری که می‌تواند به‌عنوان پشتوانه فرهنگ هر جامعه نقش مؤثری ایفا نماید، ابنیه تاریخی و فرهنگی همچون مساجد، پل‌ها، عصارخانه‌ها، آسیاب‌ها و کاروانسراها می‌باشند. از میان این آثار فرهنگی عصارخانه‌ها کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. عصارخانه‌ها نقش مؤثری در تهیه روغن‌های خوراکی، روغن چراغ، خوراک دام و کود لازم برای کشاورزی داشته‌اند و برای سالهای متمادی منبع تأمین سوخت جهت روشنایی خانه‌ها و معابر بوده‌اند. ساختار عصارخانه‌ها قدیمی و نوع عملکرد آنها به گونه‌ای دقیق و علمی طراحی شده است که حفظ و نگهداری از آنها می‌تواند پشتوانه‌ای برای فرهنگ قومی و ملی محسوب گردد.

نجف‌آباد از جمله شهرهایی است که دارای عصارخانه‌های متعدد بوده که تعدادی از این عصارخانه‌ها همچنان فعال‌اند و با حفظ این اماکن به‌صورت فعال

گرانپایه، بهروز. **فرهنگ و جامعه**، تهران: شریف، ۱۳۷۷.

معین، محمد. **فرهنگ فارسی (جلد دوم)**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.

وارثی، حمیدرضا. **ایرانگردی گام نخست جهان گردی**، پیمایش: مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی - فرهنگ و هنر ۱ اصفهان، ۱۳۸۴.

یزدانی، علی. **زبرجده سقف لیلی پوش**، اصفهان: تدبیر، ۱۳۸۶.

کشور محسوب می‌گردد. با محوشدن این آثار فرهنگی و مشاغل مربوط به آنها پیوند نسل‌های کنونی و آینده با گذشته فرهنگی و تاریخی خود گسسته می‌شود. بدیهی است نسلی که گذشته فرهنگی خود را از دست داده باشد، فاقد هویت فرهنگی می‌گردد و آمادگی پذیرش هر گونه عنصر فرهنگی جدید، که به وی عرضه می‌شود را داراست که موجب شکل‌گیری نسلی بدون هویت می‌گردد و این نسل با گذشته فرهنگی خود پیوندی ضعیف داشته یا فاقد آن می‌باشد. بنابراین با حفظ عناصر مادی و معنوی فرهنگ می‌توان ملتی با پشتوانه قوی فرهنگی داشت که در برابر هجوم عناصر فرهنگی بیگانه و ضدفرهنگ‌ها مقاوم بوده و بتواند هویت خویش را حفظ نماید.

منابع

اسماعیلی، محمد. **آموزش و پرورش شهرستان نجف‌آباد در بستر تاریخ**، اصفهان: انتشارات: غزل، ۱۳۸۵.

ایزدی، نعمت‌الله؛ سرمدی، علی محمد. **زبان خاموش**، اصفهان: مهر پاینده، ۱۳۸۷.

خلیلی، فضل‌الله. **قنوات و شبکه آبیاری شهرستان نجف‌آباد**، اصفهان: گلبن، ۱۳۸۶.

روح‌الامینی، محمود. **زمینه فرهنگ‌شناسی**. تهران: عطار، ۱۳۸۴.

شایسته، محمودرضا؛ قاسمی، منصور. **اصفهان بهشتی کوچک**، اما زمینی، اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۸۳.

عباسی، اکرم. «قصه نون»، **سالنامه شهر من**، اصفهان: سیما، ۱۳۸۷.